



اعظم زائری

"ویلیام هنری گیتس" سوم مشهور به "بیل گیتس (Bill Gates)"، در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۵۵ در یک خانواده ی متوسط در شهر "سیاتل" آمریکا به دنیا آمد. پدر بیل، "ویلیام هنری گیتس دوم"، وکیل دادگستری و یکی از سرشناسان شهر "سیاتل" است. مادر او آموزگار مدرسه و یکی از اعضای "هیئت مدیره (United Way International)" بود که در امور خیریه نیز فعالیت داشت. بیل گیتس در این خانواده و در کنار دو خواهر خود رشد کرد. بیل در کودکی بیشتر وقت خود را در کنار مادر بزرگ سپری کرد و از او تاثیر بسیار گرفت. وی از همان دوران کودکی، روحیه ی رقابت طلبی خود را نشان داد و تلاش می کرد تا در هر زمینه ای از دوستان خود پیش باشد.

گیتس تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ی "Lakeside" پشت سر گذاشت. در آغاز یکی از سالهای تحصیلی، مسئولان مدرسه ی "Lakeside" تصمیم گرفتند با کمک خانواده ی دانش آموزان، یک سری کامپیوتر اجاره کنند و در اختیار دانش آموزان قرار بدهند. در این دوران، بیل گیتس با کامپیوتر آشنا شد و به سرعت، در بهره گیری از آن مهارت کسب نمود. وی نخستین نرم افزار خود را که یک بازی ساده بود در سن سیزده سالگی نوشت.

گیتس به همراه دوست خود "پل آلن (Paul Allen)" که دو سال از او بزرگتر بود و در زمینه ی سخت افزار کامپیوتر هم مهارت داشت، بیشتر وقت خود را سرگرم برنامه نویسی در اتاق کامپیوتر "Lakeside" بود.

گیتس در سال ۱۹۷۳ وارد دانشگاه "هاروارد" شد و در آنجا با "استیو بالمر (Steve Ballmer)" که اکنون، رئیس بخش اداری مایکروسافت است آشنا شد. گیتس زمانی که در "هاروارد" بود یک نسخه از زبان BASIC را برای کامپیوتر MITS Altair طراحی کرد.

بیل گیتس در سال ۱۹۷۵ به همراه دوست دوران کودکی خود "پل آلن"، شرکت کوچکی با نام "مایکروسافت (Microsoft)" با شعار "در هر خانه یک کامپیوتر" بنا نهاد. مایکروسافت، انواع زبانهای برنامه نویسی را برای کامپیوترهای گوناگون تولید می کرد. در آن زمان، مایکروسافت تنها چهل کارمند داشت که شبانه روز به شدت کار می کردند و کل فروش آن تنها ۲/۴ میلیون دلار در سال بود. در سال ۱۹۸۰، شرکت IBM برای اینکه از بازار کامپیوترهای شخصی باز نماند، کامپیوتر خود را - که PC نام گرفت و کامپیوترهای امروزی نیز مبتنی بر آن هستند - ساخت و وارد بازار کرد. این شرکت تصمیم گرفت کار نرم افزار آن را به عهده ی شرکت دیگری بگذارد؛ این بود که شاهین خوشبختی بر دوش مایکروسافت نشست و IBM، قراردادی با شرکت کوچک مایکروسافت بست تا نرم افزارهای سازگار با کامپیوترهای شخصی IBM تولید کند.

کامپیوتر های جدید IBM از پردازنده های شانزده بیتی ۸۰۸۸ شرکت "اینتل" استفاده می کرد. بنابراین، مایکروسافت برای فروش زبانهای برنامه سازی خود به یک سیستم عامل شانزده بیتی نیاز داشت. در آن زمان، شخصی به نام "تیم پاترسون" که در کارگاه خانه ی خود یک کامپیوتر شانزده بیتی کوچک ساخته بود، برای آن یک سیستم عامل ساده شانزده بیتی نوشت و نام DOS 86 را برای آن برگزید. بیل گیتس تمامی حقوق سیستم عامل DOS 86 را به بهای هفتاد و پنج هزار دلار به دست آورد. بیل گیتس و پل آلن، سیستم DOS 86 را متناسب با کامپیوتر های شخصی IBM تغییر دادند و با افزودن امکانات بیشتر، از آن یک سیستم عامل قوی شانزده بیتی ساختند. مایکروسافت، این سیستم عامل را MS-DOS نامید. سیستم های MS-DOS بر روی کامپیوترهای شخصی IBM جای گرفتند و IBM، درصدی از فروش کامپیوترهای PC خود را برای بهره گیری از MS-DOS به مایکروسافت می پرداخت. به تدریج امپراتوری

بیل گیتس بر روی سیستم MS-DOS بنیان نهاده شد. از آن پس، مایکروسافت با تولید سیستم عامل گرافیکی Windows و دستاوردهای موفق دیگر، گامهای بزرگتری به سوی موفقیت برداشت.

بنابر آخرین آمار، بیش از ۹۵ درصد از دارندگان کامپیوترهای شخصی در سراسر جهان از دستاوردهای گوناگون مایکروسافت استفاده می کنند.

یکی از دلایل موفقیت "مایکروسافت" به گفته ی خود گیتس، به خدمت گرفتن افراد باهوش در این شرکت است .

هم اکنون بیل گیتس با دارایی بیش از پنجاه میلیارد دلار، ثروتمندترین مرد دنیا شناخته شده است. وی زمانی که تنها نوزده سال داشت، مایکروسافت را مدیریت می کرد. او به قدری سخت کوش بود که حتی گاهی چند روز محل کارش را ترک نمی کرد و به همراه کارمندان خود، به سختی، سرگرم انجام پروژه های گوناگون و سفارش مشتریان بود.

گیتس در سال ۱۹۹۴ با "ملیندا فرنچ گیتس" ازدواج کرد که نتیجه ی آن یک دختر (متولد سال ۱۹۹۶) و یک پسر (متولد سال ۱۹۹۹) بوده است.

وی در سال ۲۰۰۰ از سمت مدیر عاملی کناره گرفت و "بالمر" را جایگزین خود کرد. پس از آن، به ادامه ی راه مادر پرداخت (بنا نهادن بنیاد خیریه) و با بیست و نه میلیارد دلار سرمایه، بنیاد خیریه ی "بیل و ملیندا" را بنا نهاد.

او در سال ۲۰۰۶ بیان داشت که از جولای ۲۰۰۸، کار در مایکروسافت را رها می کند، اما به دلیل علاقه ی زیاد، در کارهای برنامه نویسی به مایکروسافت کمک خواهد کرد. هم اکنون بیل گیتس به همراه همسر و فرزندان خود در شهر "سیاتل" ساکن است.

تا به امروز، مایکروسافت با بیش از چهل هزار کارمند در شصت کشور جهان و با درآمد خالص ۲۵,۳ میلیارد دلار در پایان سال مالی ۲۰۰۱، از جمله موفق ترین شرکتهای ایالات متحده ی امریکا و یکی از راهبران صنعت کامپیوتر بوده است.

مایکروسافت به تازگی گزارش عملکرد مالی خود در سه ماه اول سال ۲۰۱۴ را منتشر کرده است که نشاندهنده کاهش درآمد مالی این شرکت در سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ به نسب سه ماه پایانی سال قبل است. در سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ درآمد مایکروسافت با ۱ درصد کاهش به رقم ۲۰,۴۰۳ میلیارد دلار رسیده که به نسبت ۲۰,۴۸۹ میلیارد دلاری این کمپانی در سال ۲۰۱۳ و در مدت مشابه شاهد کاهش ۱ درصدی سود این کمپانی هستیم. همچنین سود عملیاتی این کمپانی ۶,۹۷۴ میلیارد دلار اعلام شده است که با توجه به ۷,۶۱۲ سال گذشته شاهد ۸ درصد کاهش سود عملیاتی در این کمپانی بوده ایم. در بخشی از این گزارش حاشیه سود این شرکت ۳۴ درصد اعلام شده که به نسبت مدت مشابه سال گذشته شاهد ۳۴ درصد کاهش سود عملیاتی بودیم.

درآمد مایکروسافت در سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ برابر ۲۰,۴۰۳ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با درآمد ۲۰,۴۸۹ میلیارد دلاری این کمپانی در همین فاصله زمانی در سال ۲۰۱۳ نزدیک به ۱ درصد کاهش یافته است. سود عملیاتی یا غیرخالص این شرکت در فصل آغازین ۲۰۱۴ برابر ۶,۹۷۴ میلیارد دلار اعلام شده که در مقایسه با سود ۷,۶۱۲ میلیارد دلاری این شرکت در سال گذشته، کاهش ۸ درصدی را شاهد بوده است.

Microsoft Q3 2014 Financial Results (GAAP)			
	Q1'2014	Q4'2013	Q1'2013
درآمد	\$20.403B	\$24.519B	\$20.489B
سود عملیاتی	\$6.974B	\$7.969B	\$7.612B
حاشیه سود	70.8%	66.2%	76.6%

هفت اصل بیل گیتس

«بیل گیتس»، رئیس «مایکروسافت»، در یک سخنرانی در یکی از دبیرستان‌های آمریکا، خطاب به دانش‌آموزان گفت: «در دبیرستان خیلی چیزها را به دانش‌آموزان نمی‌آموزند». او هفت اصل مهم را که دانش‌آموزان در دبیرستان فرا نمی‌گیرند، بیان کرد. به گزارش ایسنا، اصول بیل گیتس به این شرح است: در زندگی، همه چیز عادلانه نیست، بهتر است با این حقیقت کنار بیایید.

دنیا برای عزت نفس شما اهمیتی قایل نیست. در این دنیا از شما انتظار می‌رود که قبل از آن که نسبت به خودتان احساس خوبی داشته باشید، کار مثبتی انجام دهید.

پس از فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان و استخدام، کسی به شما رقم فوق‌العاده زیادی پرداخت نخواهد کرد. به همین ترتیب قبل از آن که بتوانید به مقام معاون ارشد، با خودرو مجهز و تلفن همراه برسید، باید برای مقام و مزایایش زحمت بکشید.

اگر فکر می‌کنید، آموزگارتان سختگیر است، سخت در اشتباه هستید. پس از استخدام شدن متوجه خواهید شد که رئیس شما خیلی سختگیرتر از آموزگارتان است، چون امنیت شغلی آموزگارتان را ندارد.

آشپزی در رستوران‌ها با غرور و شأن شما تضاد ندارد. پدربزرگ‌های ما برای این کار اصطلاح دیگری داشتند، از نظر آنها این کار «یک فرصت» بود.

اگر در کارتان موفق نیستید، والدین خود را ملامت نکنید، از نالیدن دست بکشید و از اشتباهات خود درس بگیرید.

قبل از آنکه شما متولد بشوید، والدین شما هم جوانان پرشوری بودند و به قدری که اکنون به نظر شما می‌رسد، ملال‌آور نبود.

توصیه‌های بیل گیتس برای موفقیت در استراتژی کسب و کار

توصیه اول: جریان اطلاعات را خون زندگی بخش بدانید

توصیه دوم: بازرگانی اینترنت را بشناسید و به کار گیرید

توصیه سوم: دانش و آگاهی را به خدمت اندیشه های راهبردی درآورید

توصیه چهارم: به عملیات سازمان بینش بیفزایید

توصیه پنجم: در انتظار غیر منتظره ها باشید

فرازی از مدیریت استراتژیک از دیدگاه بیل گیتس:

فصل اول: فرآیند مدیریت استراتژیک

هدف اصلی مدیریت استراتژیک پاسخ به این سوال است که چرا برخی سازمان‌ها موفق و برخی دیگر ناموفق هستند؟ چرا شرکتهایی نظیر "اینتل" و "دل" موفق و برخی شرکت‌ها نظیر "انرون" و "ورلد کام" ورشکست شده اند. علل ناموفق بودن سازمانها ممکن است تغییر سلیقه مصرف کنندگان، فعالیتهای رقبا، اقدامهای دولت، رویدادهای پیش بینی نشده و یا اشتباهات استراتژیک مدیران شرکتها باشد.

هیل و جونز معتقدند که سه عامل در موفقیت شرکتها مؤثرند:

۱- بستر ملی یعنی جایی که شرکت در آن ایجاد و تأسیس شده است.

۲- بستر صنعت یعنی صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند.

۳- منابع، تواناییها و استراتژیهای سازمان

تعریف و مفهوم استراتژی:

برای تعریف استراتژی دو رویکرد وجود دارد: ۱- رویکرد سنتی ۲- رویکرد نوین

۱- رویکرد سنتی:

واژه‌ی استراتژی برای نخستین بار از مفاهیم نظامی به حوزه مدیریت وارد شده است. با این رویکرد استراتژی عبارت است از: « علم و هنر فرماندهی نظامی برای برنامه ریزی و هدایت عملیاتهای جنگی در گستره وسیع »

در این رویکرد برنامه ریزی مبنای اصلی و شالوده تعاریف استراتژی است. و استراتژی عبارت است از تعیین اهداف و مقاصد بلند مدت اساسی سازمان، مشخص کردن نحوه ی انجام فعالیتها و تخصیص منابع ضروری برای تحقق این اهداف

۲- رویکرد نوین:

به زعم هنری مینتزرگ، استراتژی واکنشی اضطراری به شرایط غیر قابل پیش بینی میباشد، یعنی استراتژی رویدادی است که در عالم واقعیت رخ میدهد و نه صرفاً آنچه که برنامه ریزی شده است. استراتژی یک فرآیند مداوم و منظم نیست، بلکه اغلب نامنظم و ناپیوسته است که به صورت حرکت/توقف پیش می‌رود.

طول عمر یک برنامه استراتژیک معمولاً حدود ۱۵ سال است و بعد از این مدت زمان یک شوک ناگهانی به مدیریت سازمان وارد می‌شود تا در برنامه موجود ارزیابی اساسی داشته باشد . یک رویداد یا عامل محرک، چیزی است که سبب ایجاد انگیزه جهت تغییر استراتژی می‌گردد. برخی از رویدادهای محرک عبارتند از:

مدیر عامل جدید

مداخله یک موسسه بیرونی

تهدید تغییر در مالکیت

تشخیص مدیریت از طریق شکاف عملکرد

مدیریت استراتژیک:

مدیریت استراتژیک مجموعه‌ی اقدامها و تصمیم‌های مدیریتی است که عملکرد بلند مدت یک سازمان را تعیین می‌کند.

مدیریت استراتژیک در یک سازمان در چهار مرحله متوالی شکل می‌گیرد:

۱- برنامه‌یزی مالی پایه‌ای

۲- برنامه‌یزی مبتنی بر پیش بینی

۳- برنامه‌یزی استراتژیک

۴- مدیریت استراتژیک

تصمیم‌گیری استراتژیک:

صفت مشخصه مدیریت استراتژیک تأکید بر تصمیم‌گیری استراتژیک است. همچنان که سازمانها در محیط بی ثبات‌تر رشد نموده و پیچیده‌تر می‌شوند، تصمیم‌گیری‌ها نیز سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند. برخلاف بسیاری از تصمیم‌گیریهای دیگر، تصمیم‌گیری‌های استراتژیک با آینده‌ی بلند مدت سازمان سروکار دارد و تعداد آنها از سایر تصمیمها بسیار کمتر است و دارای سه مشخصه اصلی هستند:

۱- نادر و کمیاب هستند.

۲- مهم هستند.

۳- جهت دهنده هستند.

روشهای تصمیم گیری استراتژیک:

۱- روش کارآفرینانه(تمرکز ابتدا بر فرصتها و سپس بر مشکلات)/بیل گیتس و مایکروسافت در این روش قرا میگیرند.

۲- روش انطباقی(ارائه راه حلهای واکنشی به مشکلات)

۳- روش برنامه ریزی(جمع آوری منظم اطلاعات، تجزیه و تحلیل صنعت و تدوین استراتژی معقول و منطقی)

دامهای تصمیم گیری استراتژیک:

به دلایلی که باعث میشود مدیران نتوانند اطلاعات مناسب را برای تصمیم گیری به دست آورند، « دامهای تصمیم گیری استراتژیک» می گویند که شامل موارد زیر هستند:

۱- گرایشها و تمایلات شناختی و ادراکی

الف- گرایش به پیش فرضهای قبلی

ب- استدلال از طریق قیاس

ج- تعهد بیش از حد

د- عمومیت دادن

ه- توهم کنترل

۲- تفکر گروهی

روشهای بهبود تصمیم گیری استراتژیک:

۱- منتقد مدافع:

در این روش یک نفر که مخالف است را در گروه مشارکت میدهند تا موارد منفی طرح را گوشزد نماید و ایرادات طرح برطرف شود.

۲- پرسشگری گفتمانی:

در این روش یک گروه کخالف تشکیل میشود و با گروه موافق طرح به بحث میپردازند و ایرادات احتمالی طرح را بیان مینمایند.

انواع مدیریت استراتژیک:

در اغلب سازمانها دو نوع مدیر وجود دارد:

۱- مدیر کل:

مدیران کل مدیرانی هستند که مسوول عملکرد کل سازمان یا یک بخش تحت کنترل خود هستند و تمرکز آنها، سلامت کل سازمان تحت مدیریت آنان است.

۲- مدیران وظیفه‌ای:

مدیران وظیفه‌ای مسوول وظایف در زمینه های فعالیت خاص مانند: پرسنل، خرید، تولید، فروش و حسابداری هستند.

سطوح مدیریت استراتژیک:

در شرکتی که دارای فعالیتهای متنوعی است سه سطح اصلی مدیریت قابل شناسایی است:

۱- سطح شرکت

۲- سطح کسب و کار

۳- سطح وظیفه‌ای

رهبری استراتژیک:

رهبری استراتژیک عبارت است از توانایی ایجاد چشم انداز استراتژیک برای سازمان و ایجاد انگیزه در دیگران برای پذیرش آن چشم انداز.

مشخصات رهبری استراتژیک:

۱- دور اندیشی، بلاغت و ثبات

۲- تعهد

۳- توانایی دریافت اطلاعات

۴- تمایل به تفویض اختیارات و قدرت

۵- زیرکی سیاسی